

The Flourishing of Tehran Teachers and it's affecting Demographic Variables

Haniyeh Hojabrian ¹, Ali Mohammad Rezaie ^{2,*}, Iman A. Bigdeli ³, Mahmood Najafi ², Mohammad Ali Mohammadifar ²

¹ PhD Student, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran

² Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran

³ Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 03 Oct 2017
Accepted: 14 Nov 2017

Keywords:

Positive Psychology
Human Flourishing
Epidemiology
Demographic Variables
Teachers

© 2018 Baqiatallah
University of Medical
Sciences

Abstract

Introduction: Flourishing refers to having a good life experience and is a combination of good feeling and effective performance. Positive psychologists believe that education of flourishing should be started in school years and from teachers of a community. Therefore, the purpose of this study was to investigate the flourishing of teachers in Tehran and it's affecting demographic variables.

Methods: In this descriptive study, 412 high school teachers from Tehran were selected via multi-stage cluster random sampling method. Instrument was Human Psychological Flourishing Scale (Hojabiran, Rezaei, Bigdeli, Najafi & Mohammadifar, 2017) which measures 3 components including sense of satisfaction/happiness, individual competency and social engagement. The results were analyzed by descriptive statistics, multivariate and univariate analysis of variance.

Results: Descriptive results showed that 4.6% of the teachers were languishing, 41.8% were moderately flourishing and 53.6% were flourishing. The status of teachers in the individual competency component is relatively desirable but it needs more attention in terms of satisfaction/happiness component. A comparison of flourishing based on demographic variables showed that married teachers achieved higher scores in all three components of flourishing. Official teachers also achieved higher levels of social engagement than unofficial teachers. There was no significant difference in the rate of flourishing based on other variables (gender, grade, major, parental education, job experience and ethnicity).

Conclusions: According to the results, it is suggested to develop an interventional to promote teachers' flourishing and to provide in their on the job training. Also arrangements to be considered to increase job support for unofficial teachers and provide counseling services to single teachers.

* **Corresponding author:** Ali Mohammad Rezaie, Assistant Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. E-mail: rezaei_am@semnan.ac.ir

شکوفایی معلمان شهر تهران و متغیرهای جمعیت‌شناختی اثرگذار بر آن

هانیه هژبریان^۱، علی محمد رضایی^{۲*}، ایمان... بیگدلی^۳، محمود نجفی^۲، محمدعلی محمدی فر^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
^۲ استادیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
^۳ استاد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: شکوفایی به داشتن تجربه خوب از زندگی اشاره دارد و ترکیبی از احساس خوب و کارکرد مؤثر است. روانشناسان مثبت‌گرا معتقدند آموزش شکوفایی باید در سال‌های مدرسه و از معلمان یک جامعه آغاز شود. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی شکوفایی معلمان شهر تهران و متغیرهای جمعیت‌شناختی اثرگذار بر آن بود.

روش کار: به منظور انجام این پژوهش توصیفی، ۴۱۲ نفر از معلمان دبیرستان‌های شهر تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مقیاس شکوفایی روانشناختی (هژبریان، رضایی، بیگدلی، نجفی و محمدی فر، ۱۳۹۶) بود که ۳ مؤلفه احساس رضایت/شادکامی، شایستگی فردی و مشارکت اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. نتایج با استفاده از آمار توصیفی، آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و تک متغیره تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج توصیفی نشان داد که ۴/۶ درصد معلمان پزمرده، ۴۱/۸ درصد نسبتاً شکوفا و ۵۳/۶ درصد شکوفا می‌باشند. وضعیت معلمان در مؤلفه شایستگی فردی نسبتاً مطلوب و از نظر احساس رضایت/شادکامی نیازمند توجه است. مقایسه شکوفایی براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز نشان داد که معلمان متأهل در هر سه مؤلفه شکوفایی نمرات بالاتری به دست آوردند. معلمان رسمی نیز در مؤلفه مشارکت اجتماعی نمرات بالاتری نسبت به معلمان غیررسمی کسب کردند. میزان شکوفایی براساس سایر متغیرها (جنسیت، رشته و مدرک تحصیلی، تحصیلات والدین، سابقه خدمت و قومیت) در معلمان تفاوت معناداری نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود یک برنامه مداخله‌ای برای ارتقاء شکوفایی معلمان تدوین و در آموزش‌های ضمن خدمت آنان ارائه شود. همچنین تمهیداتی به منظور افزایش حمایت شغلی برای معلمان غیررسمی و ارائه خدمات مشاوره‌ای به معلمان مجرد در نظر گرفته شود.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳

واژگان کلیدی:

روانشناسی مثبت‌گرا
شکوفایی انسان
شیوع شناسی
متغیرهای جمعیت‌شناسی
معلمان

تمامی حقوق نشر برای
دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله
(عج) محفوظ است.

مقدمه

به یکی از دو سنت فلسفی لذت‌گرایی و فضیلت‌گرایی بازمی‌گردد [۷]. لذت‌گرایی یک مکتب فلسفی است که بر احساسات و تجربه‌ها تمرکز می‌کند [۸]، و به طور معمول با حداکثرسازی لذت و حداقل‌سازی دردها و آلام مرتبط است [۹]. از این منظر، شکوفایی و داشتن زندگی خوب آن نوع از زندگی است که در آن فرد به طور مکرر هیجان‌نا مشب، شادی و رضایت را تجربه می‌کند. رویکرد فضیلت‌گرا در مقام یک مکتب فلسفی قائل به آن است که شادی منتج از تحقق پتانسیل‌های فردی یا تحقق ذات واقعی است [۷]. در حالی که رویکردهای لذت‌گرایی بر احساسات افراد تمرکز می‌کنند، رویکردهای فضیلت‌گرا بر آنچه افراد انجام می‌دهند و چگونگی کنش و انتخاب‌های آنها متمرکزند [۸]. از دیدگاه فضیلت‌گرایی، داشتن حال خوب فراتر از صرفاً شاد بودن است، و مفاهیمی از جمله رشد فردی، بخشش، و زندگی مطابق با ارزش‌ها را نیز در بر می‌گیرد [۱۰]. با وجودی که پژوهش‌ها متمایل بوده‌اند که بر یکی از این دو رویکرد فلسفی تمرکز کنند، توافق نظر فزاینده‌ای مبنی بر این عقیده وجود دارد که داشتن احساس خوب و کارکرد مناسب هر

کارکرد بهینه و شکوفایی انسان، مدت زیادی موضوع اصلی تحقیقات بشر بوده و اخیراً مورد توجه شاخه‌ای از روانشناسی به نام روانشناسی مثبت‌گرا قرار گرفته است [۱]. روانشناسی مثبت‌گرا مطالعه علمی کارکردهای بهینه انسان است و هدف آن درک بهتر و به کارگیری عوامل مؤثر در کامیابی و شکوفایی افراد و جوامع می‌باشد [۲، ۳]. واژه شکوفایی در فرهنگ لغت کوچک Oxford به عنوان "رشد با شور و نشاط، رشد و پیشرفت، موفق شدن و برجسته بودن" تعریف می‌شود [۴]؛ و کاربرد محاوره‌ای آن بیشتر بر معانی تحقق پتانسیل شخص (معنوی، تکاملی، اقتصادی، و غیره)، موفق شدن، پیشرفت کردن، و یا ارائه کمک‌های قابل توجه به جامعه متمرکز است [۵]. شکوفایی به داشتن تجربه خوب از زندگی اشاره دارد؛ ترکیبی از داشتن احساس خوب و عملکرد مؤثر است؛ با سطح بالایی از بهزیستی و سلامت روان بهینه مترادف بوده؛ متفاوت از صرف نبود بیماری روانی است؛ و در مقابل اصطلاح پزمردگی به کار می‌رود [۶]. تاریخچه کاوش در مورد اینکه شکوفایی و داشتن یک زندگی خوب به چه معنا است، به طور معمول

شکوفایی را در حقیقت و به طور جدی، به عنوان هدف آموزش و فرزندپروری در نظر بگیرد. اینکه بیاموزیم شکوفایی به دست آوریم و برای آن ارزش قائل شویم، باید خیلی زود در سال‌های مهم و شکل‌دهنده مدرسه آغاز شود، و همین معنای جدید از سعادت و کامیابی که جرعه آن توسط روانشناسی مثبت‌گرا زده شده است، توسط جهانیان برگزیده و از آن استفاده شود [۱۱]. بر اساس این دیدگاه، مدارس نقش با اهمیت و منحصر به فردی برای ترویج روانشناسی مثبت ایفا می‌کنند، زیرا از مخاطبان بسیار گسترده‌ای برخوردارند، و یکی از مهم‌ترین محیط‌های رشد در زندگی افراد و منبعی حیاتی برای کسب مهارت‌ها و توانمندی‌هایی هستند که می‌توانند ظرفیت افراد برای انطباق موفقیت‌آمیز در آینده را افزایش دهند [۱۲]؛ و از این طریق می‌توان به داشتن افراد، اجتماعات و جوامعی که از نظر روانی و جسمانی شکوفایی بیشتری را تجربه می‌کنند، نزدیک شد [۱۴]. پیش‌تر و همگام با این باور، ارسطو معتقد بوده است که ویژگی‌های شخصیتی جوانان از بزرگسالانی که هدایت فعالیت‌های آنان را برعهده دارند منتج می‌شود. مبتنی بر همین عقیده، Yeo بیان می‌کند که معلمان، الگو و مربی دانش آموزان خود هستند، بر ذهن آنان تأثیر می‌گذارند و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی صحیح را به واسطه گفتار و کردار خود در داخل و خارج از کلاس درس تحریک می‌کنند و سهم مهمی در شکل دادن به شخصیت دانش آموزان خود دارند. بنابراین ترویج و آموزش شکوفایی از معلمان یک جامعه آغاز می‌شود [۱۵]. هنگامی که معلمان بتوانند به خوبی روابط مثبت و جو محیطی کلاس را مدیریت کنند، نه تنها احساس قدرت بیشتری خواهند داشت، بلکه دانش‌آموزان نیز از آن بهره‌مند خواهند شد [۱۶]. علاوه بر این، بین شور و شوق معلمان و انگیزه درونی دانش آموزان برای یادگیری و توانایی در کلاس درس رابطه وجود دارد. همچنین، انگیزه و نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه به روابط دانش آموز و معلم نزدیک است. هنگامی که روابط خوب است، دانش آموزان تمایل بیشتری به انگیزه و رفتار مثبت‌تر نسبت به مدرسه دارند [۱۷]. علاوه بر این، اغلب آموزگاران، باید نقش‌های ثانویه‌ای فراتر از تدریس بازی کنند. برای مثال دانش آموزان به دنبال معلمی برای کمک و مشاوره هستند و والدین نیز در این رابطه انتظارات زیادی از معلمان دارند. از این رو فراتر از آموزه‌های خود و بار اداری، معلمان، مشاوران خط مقدم برای دانش آموزان می‌شوند. علیرغم اینکه بهزیستی معلمان موضوعی است که از دیرباز پژوهش‌های زیادی را به وجود آورده است. با این وجود، مطالعات عمدتاً بر مشکلات معلمان تمرکز داشته‌اند نه بر قوت‌ها یا بهزیستی آنها [۱۸، ۱۹]. به عنوان مثال White & Kern, Waters, Adler [۲۰] بیان می‌کنند که سه دهه از تحقیق به بررسی استرس معلمان اختصاص یافته است [۲۱، ۲۲]. دیگر موضوعات برجسته، مطالعات مربوط به سلامت معلمان شامل اضطراب، افسردگی، سرخوردگی و فرسودگی شغلی [۲۳، ۲۴] بوده است. این مطالعات، در نهایت منجر به درک جامعی از بهزیستی معلمان نشده است.

توجه به رویکردهای روانشناسی مثبت نشان می‌دهد که سلامت روان افراد در طیفی از بسیار منفی تا بسیار مثبت متغیر است [۶، ۲۵] اما روش سنتی اندازه‌گیری سلامت روان معلمان از دیدگاه مشکل محور (به عنوان مثال، کاهش استرس یا نارضایتی شغلی) پیروی کرده و انتهای مثبت این طیف را نادیده گرفته است. عملکرد مثبت صرفاً به

دو اجزا مهمی از سلامت روانشناختی هستند [۸]. بنابراین، تعاریف اخیر شکوفایی، عناصر لذت‌گرایانه و فضیلت‌گرایانه را با یکدیگر در هم می‌آمیزد تا رویکردی جامع و کل‌نگر را خلق کنند. به طور مثال، Keyes در تعریف خود از شکوفایی قائل به برخورداری آن از سه مؤلفه است: ۱) بهزیستی هیجانی (لذت‌گرایانه) یا وجود احساسات مثبت در مورد «خود» و زندگی؛ ۲) بهزیستی اجتماعی، که به معنای داشتن احساس مرتبط بودن با دیگران و ارزشمند شناخته‌شدن توسط اجتماع است؛ و ۳) بهزیستی روانشناختی (فضیلت‌گرایانه) که بر کارکرد مناسب تاکید می‌کند [۶]. Seligman پنج عنصر یا مؤلفه را برای بهزیستی بهینه پیشنهاد می‌کند: هیجان‌ات مثبت، مجدوبیت، روابط، معنا، و دستاورد [۱۱]. به نحو مشابهی، Diener, Wirtz, Tov, Kim-Prieto, Choi, Oishi, Biswas-Diener شکوفایی را به صورت یک سازه روانی اجتماعی تعریف می‌کنند که شامل برخورداری از روابط ارزشمند، رضایت‌بخش و مثبت، احساس توانمندی و اعتماد به نفس و باور به هدفمندی و معنادار بودن زندگی است [۱۲]. با اینکه هر یک از این تعاریف، رویکرد اندک متفاوتی را ارائه می‌کند، عنصر ثابت و مشترک، آن است که تمام تعاریف و مفهوم‌سازی‌های اخیر از شکوفایی این نکته را می‌پذیرند که بهزیستی بهینه یا شکوفایی یک مفهوم چندبعدی و کل‌نگر است، و شامل مولفه‌های لذت‌گرایانه (مثلاً، هیجان‌ات مثبت، و ثبات هیجانی) و فضیلت‌گرایانه (مثلاً، عزت نفس، رشد، معنا) می‌شود. بنابراین، شکوفایی به صورت مفهومی متشکل از «احساس خوب» و «کارکرد/عملکرد خوب» در نظر گرفته می‌شود [۱۳]. داشتن احساس خوب همسو با مکتب لذت‌گرایی و دربرگیرنده دامنه گسترده‌ای از هیجان‌ات و تجارب از جمله احساس رضایت از گذشته، شاد بودن در زمان حال، و امیدواری در مورد آینده، و همچنین قادر بودن به مقابله با هیجان‌ات و تجارب دشوار به شیوه‌ای سالم و انطباق‌پذیر است. از آن سو، برخورداری از کارکرد/عملکرد خوب، همسو با رویکرد فضیلت‌گرایانه است، و بر مجهز کردن افراد به مهارت‌ها و دانش لازم که می‌تواند هم در چالش‌ها و هم در فرصت‌ها به رشد و باروری آنها کمک کند، تمرکز می‌کند. داشتن کارکرد خوب یعنی داشتن کارکرد مؤثر و کارآمد در طیف گسترده‌ای از تجارب انسانی. همچنین، تعهد به داشتن انتخاب‌ها و رفتارهای مفید اجتماعی که به دیگران و جوامع اطراف سود می‌رسانند، در این مورد حائز اهمیت است. ساده بودن عبارت «احساس خوب و عملکرد خوب» باعث می‌شود اطمینان حاصل کنیم همه افراد درک مناسبی از مفهوم شکوفایی خواهند داشت [۱۳].

همان‌گونه که روشن است، مقدار فراوانی از دانش در زمینه کارکرد بهینه، سلامت روان مثبت، بهزیستی و شکوفایی انسان پدید آمده است، اما سوالی که هنوز باید به آن پاسخ بهتری داده شود، آن است که این دانش چگونه می‌تواند در جهان خارج و به منظور ارتقا بهزیستی در میان کل جمعیت به کار گرفته شود [۱۳]. در این زمینه، Seligman به عنوان پدر روانشناسی مثبت‌گرا می‌گوید «ما مخلوقات آینده هستیم و تنها تحت تأثیر گذشته قرار نداریم»؛ و اگر باور کنیم گذشته می‌تواند آنچه که در آینده برایمان اتفاق می‌افتد را تعیین کند، خود را تسلیم محیط کرده‌ایم. اکنون باید بر اینکه چگونه در مقام انسان می‌توانیم کنترل بهزیستی شخصی خود را در اختیار بگیریم و قدم در مسیر آینده بگذاریم، تمرکز کنیم. در واقع، زمان آن فرا رسیده است که معنای جدیدی از سعادت و کامیابی مطرح و پذیرفته شود؛ معنایی که

پژوهش‌های دیگری که توسط برخی از محققان بین فرهنگی همچون Markus و Oishi & Diener, Suh انجام شده است، پیشنهاد کرده‌اند در حالی که خودمختاری ممکن است برای بهزیستی در کشورهای غربی مهم در نظر گرفته شود، لیکن در کشورهای جمع‌گرایانه مانند بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا ارتباط کمتری با بهزیستی دارد [۳۵، ۳۶]. پژوهش سلیمانی و همکاران نیز که به بررسی مولفه‌های شکوفایی سلیگمن در بین دانشجویان ایرانی پرداخت مؤلفه مجذوبیت سلیگمن را مورد حمایت قرار نداد [۳۳].

با این حال، هر گونه برنامه ریزی در زمینه پرورش و ارتقاء شکوفایی درگام اول نیازمند اندازه‌گیری و شناخت وضعیت موجود بهزیستی و شکوفایی می‌باشد. شناخت وضعیت موجود، ارزیابی میزان شیوع شکوفایی در یک جمعیت و میزان تأثیرپذیری شکوفایی آنان از متغیرهای جمعیت شناختی را در برمی‌گیرد [۳۳]. Michaelson, Abdallah, Steuer, Thompson, Marks, Aked, Cordon Potts & هشت مزیت اندازه‌گیری بهزیستی جامعه را شناسایی کرده‌اند: ارزیابی تغییرات در طول زمان، بررسی و ارزیابی تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط مشی‌گذاری، فعال کردن مقایسه‌های بین المللی، ارزیابی تفاوت‌های خرده گروه‌ها، شناسایی حوزه نیازها یا فرصت‌های آتی، ارزیابی تأثیر بالقوه طرح‌های سیاسی، شکل دادن به محتوا و اجرای سیاست‌ها و آگاهی دادن به منظور هدف‌گیری سیاست‌های جدید مطابق با خرده‌گروه‌های جمعیت [۳۷]. بر همین اساس، دولت‌های سراسر جهان علاقه زیادی به اندازه‌گیری سلامت روان، بهزیستی و شکوفایی دارند. با این دید که با استفاده از نتایج آن بتوانند به طور موثرتری پیشرفت را اندازه‌گیری کنند، تصمیم‌گیری‌های سیاسی را بهبود داده و شکوفایی شهروندان را افزایش دهند [۳۸-۴۰]. با استفاده از رویکرد چند بعدی اندازه‌گیری بهزیستی و شکوفایی، آن‌ها نه تنها قادر خواهند بود مشخص کنند که کدام جنبه‌های بهزیستی از تغییرات سیاسی تأثیر می‌پذیرند، بلکه همچنین می‌توانند امیدوارکننده‌ترین سطوح تغییر را شناسایی کنند. اگر یک گروه جمعیتی در برخی از ویژگی‌های بهزیستی مانند روابط مثبت بالا باشد، اما در برخی دیگر از قبیل مجذوبیت یا تاب‌آوری پایین، مشخص است که مداخلات باید چه چیزی را هدف قرار دهد. بیشتر مطالعات تنها یک یا چند مورد از عوامل بهزیستی را شامل می‌شوند، اما آینده مبتنی بر درک عمیق‌تر از ابعاد چندگانه بهزیستی بهینه (شکوفایی) و چگونگی تأثیرپذیری آنها از عوامل اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی و خط‌مش‌گذاری‌ها خواهد بود. و بالاتر از همه اینها، این درک عمیق از بهزیستی و عوامل تعیین‌کننده آن به ما اجازه خواهد داد رویکردهای مؤثر در جهت ارتقاء بهزیستی و شکوفایی در جمعیت را توسعه دهیم [۲۵]. بنابه آنچه گذشت، رکن اصلی آموزش و پرورش شکوفایی در هر کشوری معلمان آن هستند. معلمان بار اصلی آموزش و پرورش دانش آموزان را بر دوش می‌کشند و آنان را برای زندگی آماده می‌کنند. آنان برای آنکه بتوانند نقش خود را به درستی ایفا کرده و نسل خوبی تربیت کنند باید از شکوفایی کافی به منظور برقراری روابط خوب، رفتارهای مؤثر اجتماعی، سلامت خوب، امید به زندگی و رویارویی با مسائل، مشکلات، کشمکش‌ها، ناملازمات و... برخوردار باشند [۴۱]. به علاوه، پیامدهای شکوفایی معلمان در نهایت به دانش‌آموزان نیز مربوط می‌شود. همان‌گونه که پژوهش‌ها نشان داده‌اند،

نجات از استرس ختم نمی‌شود؛ بلکه جنبه‌های جسمی، ذهنی، اجتماعی و حرفه‌ای معلمان نیز مستلزم رشد می‌باشند [۲۰]. واضح است که نتایج منفی باید کنترل و کاهش یابد؛ اما همان‌گونه که پیترسون و پارک به درستی یادآوری می‌کنند، اگر به زندگی خوب علاقه داریم، باید به صراحت به شاخص‌های رشد انسان توجه کنیم [۲۶]. در این ارتباط، Hoy & Tartet استدلال می‌کنند که روانشناسی مثبت "لنز تازه" ای است که از طریق آن می‌توان به بهزیستی کادر آموزشی کمک نمود [۱۹]. اهمیت این موضوع هنگامی بیشتر می‌شود که شواهد نشان می‌دهد سطوح بالای بهزیستی و شکوفایی پیامدهای خوبی برای افراد و جامعه به دنبال دارد. در مطالعات مقطعی، طولی و آزمایشی، نشان داده شده است که سطوح بالای بهزیستی با دامنه‌ای از نتایج مثبت شامل یادگیری مؤثر، باروری و خلاقیت، روابط خوب، رفتارهای مؤثر اجتماعی، سلامت خوب و امید به زندگی رابطه دارد [۲۷-۳۰].

با توجه به مزایا و پیامدهای مثبت شکوفایی، شیوع‌شناسی شکوفایی یا سطح بالای بهزیستی نیز موضوع تحقیقاتی مهمی است که علاقه بین المللی قابل توجهی را بوجود آورده است [۳۱]. برای مثال Keyes، نتایج بررسی میزان شیوع شکوفایی در نمونه ۳۰۳۲ نفری متشکل از بزرگسالان بین ۲۵ تا ۷۴ ساله آمریکایی را شامل ۱۷/۲ درصد شکوفا، ۵۶/۶ درصد دارای سلامت روان نسبی، ۱۲/۱ پژمرده و ۱۴/۱ درصد دارای علایم افسردگی اساسی گزارش می‌دهد [۶]. در مطالعه دیگری بر روی نوجوانان سنین ۱۲-۱۸ سال، افراد بین ۱۲-۱۴ سال بالاترین میزان شکوفایی را به خود اختصاص دادند و سلامت روانی نسبی بین سنین ۱۵-۱۸ سال شایع‌تر بود [۲]. علاوه بر این، Hone, Jarden, Duncan & Schofield شیوع شکوفایی در نمونه‌ای بالغ بر ۱۰،۰۰۰ بزرگسال زلاندنو در دامنه‌های بین ۲۴ تا ۴۷ درصد از افراد گزارش داده است [۳۲]. در ایران نیز، نتایج پژوهش سلیمانی، رضایی و کیان‌ارثی نشان داد که ۵ درصد دانشجویان پژمرده، ۳۰ درصد دارای سلامت روان نسبی و ۶۵ درصد شکوفا می‌باشند [۳۳]. برخی پژوهشگران معتقدند که مولفه‌های شکوفایی در بافت‌های فرهنگی - اجتماعی مختلف، متفاوت است و شکوفایی افراد ممکن است تحت تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی قرار گیرد [۵، ۲۵، ۳۴]. در همین راستا، پژوهش So & Huppert وضعیت شکوفایی در میان ۲۳ کشور اروپایی را از نظر ده مؤلفه تشکیل‌دهنده شکوفایی مشتمل بر شایستگی، ثبات عاطفی، مجذوبیت، معنا، خوش‌بینی، عواطف مثبت، رابطه مثبت، تاب‌آوری، عزت نفس و سرزندگی مورد مقایسه قرار دادند [۲۵]. نتایج حاکی از نرخ بالای شکوفایی در میان کشورهای شمال اروپا، نرخ بسیار پایین در میان کشورهای اروپای شرقی و تنوع زیادی در جنوب / غرب اروپا (سوئیس رتبه دوم و پرتغال بیست و دوم) بود. اما نتایج درمورد مؤلفه سرزندگی معکوس بود. بدین صورت که کشورهای اروپای شرقی بالاترین سطح از سرزندگی و انرژی را گزارش دادند. اطلاعات مردم نروژ نیز شگفت‌انگیز بود؛ نروژی‌ها معمولاً رتبه بالا و یا متوسط در همه مولفه‌ها به غیر از عزت نفس داشتند. یک احتمال این است که این رتبه پایین نشان‌دهنده تواضع نروژی‌هاست. فرانسه دیگر نتایج جالب اعم از نمرات نسبتاً ضعیف در شاخص‌های کلی بهزیستی ذهنی (رضایت از زندگی و شادی)، بالاترین رتبه در مجذوبیت، کمترین رتبه در عزت نفس و امتیازات پایین در خوش‌بینی و روابط مثبت نشان داد. همچنین

روش مولفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش متعامد از نوع واریمکس منجر به استخراج ۳ عامل پیش‌گفته شد اعتبار همگرایی مقیاس HPFS از طریق اجرای همزمان آن با ۴ پرسشنامه شکوفایی Diener " (Diener = ۰/۹۰)، نیمرخ PERMA (PERMA = ۰/۹۰)، "شکوفایی سلیمانی، رضایی، کیان‌ارثی، هژبریان و خلیلی پاجی [۴۶]، " (۰/۸۲) = r و "خودشکوفایی اهواز" (۰/۸۲) = r و اعتبار واگرایی آن با استفاده از "پرسشنامه افسردگی Beck" (Beck = -۰/۶۶) بررسی و مورد تأیید قرار گرفت (۰/۰۱) $P \leq$. علاوه بر آن، نتایج پایایی HPFS با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) نشان داد که HPFS از ضرایب پایایی مناسبی برخوردار است، بطوریکه مقدار پایایی برای عوامل احساس رضایت و شادکامی، شایستگی/پیشرفت فردی، مشارکت اجتماعی و کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۷، ۰/۷۹ و ۰/۸۷ می‌باشد که مطلوب و رضایت‌بخش است. در این پرسشنامه به هر یک از سوال‌ها در یک طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای "کاملاً موافقم"، "تاحدی موافقم"، "کمی موافقم"، "کمی مخالفم"، "تاحدی مخالفم" و "کاملاً مخالفم" به ترتیب مقادیر ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره داده می‌شود. نمره کل شکوفایی از طریق حاصل جمع کل سوال‌های پرسشنامه به دست می‌آید. به این ترتیب نمره کلی شکوفایی بین ۱۲ تا ۷۲ و نمره هر عامل بین ۴ تا ۲۴ می‌باشد [۴۵]. بنابراین مقیاس HPFS با توجه به بومی بودن مدل اندازه‌گیری، طراحی بر روی معلمان شهر تهران و رضایت‌بخش بودن ویژگی‌های روانسنجی آن، برای انجام پژوهش حاضر ابزار مناسبی می‌باشد. در ادامه عوامل یا مولفه‌های تشکیل‌دهنده این مقیاس تشریح می‌گردد. اولین عامل/مولفه شکوفایی، احساس رضایت و شادکامی می‌باشد. فرد شکوفا از عملکرد و زندگی خود راضی است؛ احساس شادمانی دارد و به زندگی عشق می‌ورزد. رضایت از زندگی عبارت است از ارزیابی مثبت شناختی-عاطفی از زندگی خود [۴۷]. این اصطلاح، بیانگر ارزیابی دامنهداری است که فرد از زندگی خود به عمل می‌آورد و می‌تواند قضاوت فرد درباره همه حیطه‌های زندگی در مقطعی خاص از زمان و یا قضاوتی یکپارچه درباره زندگی شخص از بدو تولد را نشان دهد [۴۸]. شادکامی نیز از سوی Seligman به صورت درگیر شدن در هیجان مثبت، التزام به زندگی و داشتن معنا در زندگی تعریف می‌شود [۴۹]. Lyubomirsky, King & Diener. شادکامی را احساس نشاط، خوشنودی و خوشی و نیز احساس خوب، بامعنا و با ارزش بودن زندگی فرد، در نظر گرفته‌اند [۵۰]. افراد شادکام عموماً افرادی شاد و خوشبین و سالم بوده و از اینکه وجود دارند راضی هستند، زندگی را با ارزش می‌دانند و با جهان در صلح و تفاهم به سر می‌برند [۵۱، ۵۲]. طبق این تعاریف مشخص می‌شود که احساس رضایت و شادکامی یک پدیده ذهنی و درونی است و بعد احساسی شکوفایی را شامل می‌شود. دومین مؤلفه تشکیل‌دهنده شکوفایی، شایستگی/پیشرفت فردی است. شایستگی بیانگر این مسئله است که افراد چگونه باید انجام وظیفه کنند و یا در شرایط خاص چگونه واکنش نشان داده، یا چگونه رفتار کنند [۵۳]. بدین ترتیب، فرد شایسته قادر است به خوبی مسئولیت‌های خود را به انجام رساند؛ از مهارت‌ها و شایستگی‌های خوبی برخوردار است؛ از فرصت‌های موجود برای نشان دادن توانمندی‌هایش استفاده می‌کند و در فعالیت‌هایی که برایش مهم است مهارت و تسلط دارد [۱۱، ۱۲، ۲۵، ۵۴]. سومین مؤلفه تشکیل‌دهنده شکوفایی، مشارکت اجتماعی است. فرد شکوفا علاوه بر

این متغیرها با اثربخشی تدریس، تاب‌آوری در تدریس و انگیزش و پیشرفت دانش‌آموزان نیز رابطه دارند [۴۲-۴۴]. بدین تناسب و با توجه به اینکه تاکنون هیچ گونه پژوهشی در مورد اندازه‌گیری شکوفایی معلمان در کشور ایران انجام نشده و نظر به اهمیت و ضرورت ارزیابی وضعیت موجود شکوفایی معلمان به منظور استفاده در برنامه‌ریزی‌های آتی، هدف از پژوهش حاضر، بررسی وضعیت شکوفایی معلمان شهر تهران و تعیین متغیرهای جمعیت‌شناختی اثرگذار بر آن بود تا با استفاده از نتایج حاصل، ضمن کسب آگاهی از وضعیت شکوفایی معلمان، مشخص گردد که کدام جنبه‌های شکوفایی آنان از متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیر می‌پذیرند، امیدوارکننده‌ترین سطوح تغییر کدامند و کدام متغیرها باید هدف مداخلات پرورش و ارتقاء شکوفایی قرار گیرد. علاوه بر این، کاربردهای عملی نتایج این پژوهش به طور بالقوه، می‌تواند به ارتقا و هدایت دانش‌آموزان در جهت شکوفایی بیشتر کمک کند.

روش کار

روش پژوهش این مطالعه توصیفی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دبیرانی بود که در سال ۱۳۹۵ در دبیرستان‌های متوسطه دوم شهر تهران مشغول به فعالیت بودند. حجم نمونه انتخابی بر اساس فرمول کوکران محاسبه شد. به این منظور و جهت نیل به حداکثر واریانس مقادیر $P = ۰/۵$ و $q = ۰/۵$ در نظر گرفته شد. با لحاظ کردن مقدار خطای متوسط ($d = ۰/۰۵$) و سطح اطمینان ۹۵ درصد ($1/96 = Z$)، حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد که جهت حصول اطمینان از گردآوری این تعداد پرسشنامه، ۱۰ درصد به حجم ذکر شده اضافه شد. لذا تعداد ۴۲۲ پرسشنامه در بین معلمان توزیع گردید. به منظور انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین صورت که شهر تهران را به ۵ منطقه جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم نموده و از هر منطقه جغرافیایی یک منطقه آموزش و پرورش و از هر منطقه آموزش و پرورش چهار دبیرستان (در مجموع ۲۰ دبیرستان) به طور تصادفی انتخاب و در هر دبیرستان تمامی دبیران به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. در نهایت، پس از توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها تعداد ۴۱۲ پرسشنامه فاقد نقص متشکل از ۲۲۰ زن و ۱۹۲ مرد گردآوری و مبنای تحلیل‌های آماری قرار گرفت.

ابزار

مقیاس شکوفایی روانشناختی هژبریان، رضایی، بیگدلی، نجفی و محمدی‌فر (HPFS)

در این پژوهش برای اندازه‌گیری شکوفایی از مقیاس شکوفایی روانشناختی هژبریان و همکاران (HPFS) استفاده شد. این پرسشنامه ۱۲ ماده‌ای با استفاده از روش تحلیل عوامل و بر اساس مدل بومی شکوفایی تدوین شده توسط هژبریان و همکاران، بر روی معلمان شهر تهران ساخته شده و از مشخصات روان‌سنجی قابل قبول و رضایت‌بخشی برخوردار است [۱، ۴۵]. بر مبنای این مدل، شکوفایی شامل سه مؤلفه احساس رضایت و شادکامی، شایستگی/پیشرفت فردی و مشارکت اجتماعی می‌باشد. اعتبار سازه HPFS با روش تحلیل عاملی، اعتبار همگرا و اعتبار واگرا بررسی شد. تحلیل عوامل داده‌ها با

کارشناسی با ۶۴/۹ درصد است و ۳۰/۸ درصد مدرک کارشناسی ارشد و ۴/۴ درصد مدرک دکترا دارند. ۶۹/۵ درصد از افراد مطالعه شده متأهل و ۵۷/۲ درصد معلمان رسمی می‌باشند. همچنین ۶۳/۳ درصد از معلمان را قومیت فارس، ۱۴/۹ درصد ترک، ۸/۲ درصد لر و بختیاری و ۱۳/۶ درصد را سایر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه پرسشنامه شکوفایی، ۶ گزینه‌ای بود، نتایج مربوط به گزینه‌های کاملاً مخالفم و مخالفم به عنوان معلمان پژوهشگر (در مقابل شکوفا)؛ نتایج مربوط به گزینه‌های متوسط شامل (کمی موافقم و کمی مخالفم) به عنوان معلمان دارای شکوفایی نسبی و نتایج مربوط به گزینه‌های کاملاً موافقم و موافقم به عنوان معلمان شکوفا در نظر گرفته شد. با توجه به تقسیم‌بندی ذکر شده، نتایج مربوط به بررسی وضعیت شکوفایی معلمان به تفکیک مولفه‌های شکوفایی و نمره کل شکوفایی در جدول‌های ۱ تا ۹ ارائه شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ۴/۶ درصد معلمان پژوهشگر، ۴۱/۸ درصد دارای شکوفایی نسبی و ۵۳/۶ درصد شکوفا می‌باشند. بیشترین درصد معلمان شکوفا، در مؤلفه شایستگی فردی (۶۵ درصد) و کمترین درصد آنها در مؤلفه احساس رضایت و شادکامی (۴۵/۴ درصد) قرار دارند. بیشترین درصد معلمان پژوهشگر نیز در مؤلفه احساس رضایت و شادکامی (۸/۷ درصد) و کمترین درصد معلمان پژوهشگر نیز در مؤلفه شایستگی فردی (۲/۲ درصد) قرار دارند. ۵۰/۵ درصد از معلمان نیز در مؤلفه مشارکت اجتماعی شکوفا می‌باشند. در ادامه یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی ارائه شده است.

دستاوردهای فردی، مشارکت سازنده‌ای با جامعه داشته و در جهت توسعهٔ بهزیستی دیگران تلاش می‌نمایند [۱۲]؛ می‌تواند کمک‌های مهمی به جامعه ارائه دهد؛ برای کمک به بهبود جامعه وقت و انرژی صرف می‌کند و اقدامات و فعالیت‌های روزمره وی نتیجه ارزشمندی برای جامعه دارد. در واقع مشارکت اجتماعی سازنده بخشی از انتظاری است که زندگی از انسان دارد و فرد شکوفا این انتظار را برآورده ساخته است. این عامل مهمترین وجه تمایز انسان شکوفا از فرد موفق (در معنای عام و محاوره‌ای آن) است. شایان ذکر است، مولفه‌های پیشرفت/شایستگی فردی و مشارکت اجتماعی بعد عملکردی شکوفایی را دربرمی‌گیرند [۴۵].

یافته‌ها

یافته‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه شده است. یافته‌های توصیفی، وضعیت شکوفایی معلمان، میانگین و انحراف استاندارد هر کدام از مؤلفه‌های شکوفایی بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، نوع استخدام و قومیت افراد را بررسی می‌کند. در بخش استنباطی نیز هر یک از مولفه‌های شکوفایی (احساس رضایت و شادکامی؛ شایستگی فردی و مشارکت اجتماعی) با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری و تک متغیری مقایسه شده است.

یافته‌های توصیفی

۵۳/۴ درصد از افراد مطالعه شده را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین درصد سطح تحصیلات جامعهٔ مطالعه شده مربوط به مدرک

جدول ۱: وضعیت شکوفایی معلمان به تفکیک مولفه‌های شکوفایی و نمره کل شکوفایی

سطوح شکوفایی	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی	شکوفایی کل
پژمردگی	۸/۷	۲/۲	۲/۹	۴/۶
شکوفایی نسبی	۴۵/۹	۳۲/۸	۴۶/۶	۴۱/۸
شکوفایی	۴۵/۴	۶۵/۰	۵۰/۵	۵۳/۶

جدول ۲: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک جنسیت

جنسیت	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
زن	۱۶/۳ (۴/۲)	۱۸/۰ (۳/۳)	۱۷/۴ (۳/۳)
مرد	۱۶/۸ (۳/۷)	۱۸/۷ (۲/۸)	۱۷/۶ (۳/۴)
کل	۱۶/۶ (۴/۰)	۱۸/۳ (۳/۱)	۱۷/۵ (۳/۴)

جدول ۳: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک وضعیت تأهل معلمان

وضعیت تأهل	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
مجرد	۱۵/۴ (۳/۹)	۱۷/۵ (۳/۵)	۱۶/۷ (۳/۴)
متأهل	۱۷/۱ (۳/۹)	۱۸/۷ (۲/۸)	۱۷/۸ (۳/۳)
کل	۱۶/۶ (۴/۰)	۱۸/۴ (۳/۱)	۱۷/۵ (۳/۴)

جدول ۴: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک تحصیلات معلمان

مدرک تحصیلی	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
کارشناسی	۱۶/۶ (۴/۱)	۱۸/۳ (۳/۳)	۱۷/۵ (۳/۴)
کارشناسی ارشد	۱۶/۵ (۳/۹)	۱۸/۵ (۳/۱)	۱۷/۴ (۳/۳)
دکترا	۱۶/۸ (۳/۴)	۱۹/۶ (۲/۳)	۱۹/۶ (۲/۴)
کل	۱۶/۶ (۴/۰)	۱۸/۳ (۳/۱)	۱۷/۵ (۳/۴)

جدول ۵: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
علوم پایه	۱۶/۷(۳/۶)	۱۸/۳(۳/۰)	۱۷/۵(۳/۴)
علوم انسانی	۱۶/۵(۴/۳)	۱۸/۲(۳/۳)	۱۷/۳(۳/۴)
کل	۱۶/۶(۴/۰)	۱۸/۳(۳/۲)	۱۷/۴(۳/۴)

جدول ۶: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک تحصیلات پدر

تحصیلات پدر	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
بی سواد	۵/۹(۶/۰)	۱۷/۰(۴/۷)	۱۶/۷(۴/۸)
ابتدایی	۱۶/۰(۴/۵)	۱۸/۷(۲/۸)	۱۸/۲(۳/۰)
سیکل	۱۶/۸(۳/۹)	۱۸/۵(۲/۹)	۱۷/۴(۳/۱)
دیپلم	۱۶/۵(۳/۶)	۱۷/۹(۲/۹)	۱۷/۳(۳/۳)
فوق دیپلم	۱۷/۴(۳/۴)	۱۸/۹(۳/۳)	۱۷/۹(۳/۰)
لیسانس	۱۶/۲(۴/۳)	۱۷/۷(۴/۱)	۱۶/۹(۴/۲)
فوق لیسانس	۱۶/۵(۲/۳)	۱۸/۴(۳/۶)	۱۶/۸(۳/۴)
دکتر	۱۷/۱(۲/۰)	۱۹/۶(۱/۶)	۴۱۶(۲/۴)
کل	۱۶/۴(۴/۰)	۱۸/۲(۳/۲)	۱۷/۴(۳/۴)

جدول ۷: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک تحصیلات مادر

تحصیلات مادر	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
بی سواد	۱۷/۲(۴/۹)	۱۸/۷(۴/۰)	۱۷/۹(۴/۲)
ابتدایی	۱۶/۰(۴/۶)	۱۸/۵(۳/۰)	۱۷/۸(۳/۴)
سیکل	۱۶/۶(۴/۰)	۱۸/۱(۲/۸)	۱۷/۶(۲/۹)
دیپلم	۱۶/۵(۳/۵)	۱۸/۱(۳/۱)	۱۷/۲(۳/۳)
فوق دیپلم	۱۶/۹(۳/۲)	۱۸/۴(۳/۱)	۱۶/۴(۲/۵)
لیسانس	۱۵/۴(۴/۳)	۱۷/۲(۴/۹)	۱۶/۳(۴/۴)
فوق لیسانس	۱۷/۲(۲/۸)	۱۷/۹(۴/۵)	۱۴/۸(۴/۳)
کل	۱۶/۴(۴/۰)	۱۸/۲(۳/۲)	۱۷/۴(۳/۴)

جدول ۸: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک وضعیت استخدام

وضعیت استخدام	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
رسمی	۱۷/۱(۳/۷)	۱۹/۰(۲/۴)	۱۸/۵(۳/۱)
غیررسمی	۱۶/۹(۳/۷)	۱۸/۷(۲/۸)	۱۷/۳(۲/۹)
کل	۱۷/۰(۳/۷)	۱۸/۹(۲/۶)	۱۸/۰(۳/۱)

جدول ۹: یافته‌های توصیفی میزان شکوفایی معلمان به تفکیک قومیت

قومیت	احساس رضایت/شادکامی	شایستگی/پیشرفت فردی	مشارکت اجتماعی
فارس	۱۶/۶(۳/۷)	۱۸/۳(۲/۹)	۱۷/۵(۳/۳)
لر	۱۶/۰(۵/۴)	۱۹/۴(۲/۵)	۱۸/۱(۴/۱)
بختیاری	۱۶/۷(۳/۳)	۱۷/۵(۲/۹)	۱۷/۶(۳/۰)
ترک	۱۶/۳(۴/۰)	۱۸/۱(۳/۵)	۱۷/۰(۳/۶)
کرد	۱۸/۰(۴/۲)	۲۰/۰(۱/۸)	۱۸/۴(۲/۶)
عرب	۱۵/۸(۳/۸)	۱۶/۱(۴/۳)	۱۴/۰(۳/۲)
گیلک	۱۷/۳(۳/۸)	۲۰/۱(۱/۶)	۱۸/۵(۲/۷)
مازندرانی	۱۷/۷(۵/۰)	۱۸/۰(۲/۷)	۱۷/۶(۲/۴)
سایر	۱۶/۱(۵/۵)	۱۸/۰(۳/۹)	۱۸/۹(۳/۲)
کل	۱۶/۶(۳/۹)	۱۸/۳(۳/۰)	۱۷/۵(۳/۳)

یافته‌های استنباطی

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه شکوفایی معلمان (احساس رضایت و شادکامی، شایستگی/پیشرفت فردی، مشارکت اجتماعی) از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانووا) استفاده شد. پیش از اجرای

آزمون مانووا، مفروضه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. مفروضه کفایت همبستگی بین متغیرهای وابسته با توجه به متغیرهای گروه‌بندی با استفاده از آزمون کرویت بارلت بررسی شد. نتایج نشان داد همبستگی کافی بین متغیرهای وابسته وجود دارد ($P \leq 0/0005$). مفروضه

برابر با ۰/۰۵ به دست آمد؛ یعنی ۵ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته مربوط به عامل وضعیت تأهل آزمودنی‌ها می‌باشد. به منظور تعیین اینکه در کدامیک از متغیرهای وابسته بین معلمان بر مبنای وضعیت تأهل تفاوت معنی داری وجود دارد از آزمون آنووا استفاده شد. مقدار خطای نوع اول با روش بونفرونی کنترل شد. به این منظور مقدار آلفا ۰/۰۵ تقسیم بر تعداد مقایسه‌ها یعنی ۳ شد. لذا یک مقایسه در صورتی معنی دار تلقی خواهد شد که سطح معنی‌داری آن کوچکتر یا مساوی ۰/۰۱۷ باشد. نتایج (جدول ۱۰) نشان می‌دهد که مقدار آنووا برای همه مولفه‌های شکوفایی معنی‌دار است و معلمان متأهل از میزان احساس رضایت و شادکامی، شایستگی/پیشرفت فردی و مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

همگنی ماتریس کوواریانس نیز با استفاده از آزمون M باکس بررسی شد. نتایج نشان داد که مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس برای همه متغیرهای مورد بررسی، برقرار است ($P > 0.05$). پس از حصول اطمینان از برقراری مفروضه‌ها، آزمون مانووا اجراء شد. نتایج آزمون مانووا نشان داد که میزان شکوفایی معلمان تحت تأثیر متغیرهای جنسیت، تحصیلات فرد، تحصیلات والدین، سابقه کار و قومیت نمی‌باشد؛ اما میزان شکوفایی معلمان با توجه به وضعیت تأهل و نوع قرارداد تفاوت معنی‌داری داشت. در خصوص تفاوت‌های مربوط به وضعیت تأهل در میزان شکوفایی معلمان، نتایج آزمون مانووا نشان داد که مقدار لامبدای ویلکز برابر با ۰/۹۵ و نتیجه آزمون F معنی دار بود ($P \leq 0.0005$, $F(3, 405) = 7.112$). مجذور اتا چند متغیره نیز

جدول ۱۰. نتایج آزمون آنووا به تفکیک متغیرهای وابسته

مؤلفه‌های شکوفایی	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار P	مجذور اتای تفکیکی
احساس رضایت و شادکامی	۲۵۸/۱۵۵	۱	۲۵۸/۱۵۵	۱۶/۹۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۴
شایستگی/پیشرفت فردی	۱۲۴/۸۹۶	۱	۱۲۴/۸۹۶	۱۳/۵۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۲
مشارکت اجتماعی	۱۱۰/۱۹۸	۱	۱۱۰/۱۹۸	۹/۸۹۶	۰/۰۰۲	۰/۰۲۴

جدول ۱۱. نتایج آزمون آنووا به تفکیک متغیرهای وابسته

مؤلفه‌های شکوفایی	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار P	مجذور اتای تفکیکی
احساس رضایت و شادکامی	۳/۹۶۴	۱	۳/۹۶۴	۰/۰۰۱	۰/۹۷۸	۰/۰۰۱
شایستگی/پیشرفت فردی	۸/۳۵۰	۱	۸/۳۵۰	۲/۵۴۲	۰/۱۱۲	۰/۰۰۴
مشارکت اجتماعی	۸۷/۹۶۱	۱	۸۷/۹۶۱	۶/۷۹۵	۰/۰۱۰	۰/۰۳۳

مدل بومی شکوفایی روانشناختی و تعیین متغیرهای جمعیت‌شناسی مؤثر بر آن بود تا ضمن آگاهی از وضعیت شکوفایی معلمان، مشخص گردد که کدام متغیرها باید هدف مداخلات پرورش و ارتقاء شکوفایی قرار گیرد. همان‌گونه که ذکر شد، بر مبنای مدل بومی شکوفایی که توسط هژبریان و همکاران ارائه شده شکوفایی شامل سه مؤلفه احساس رضایت و شادکامی، شایستگی/پیشرفت فردی و مشارکت اجتماعی می‌باشد [۴۵، ۱]. احساس رضایت و شادکامی یک پدیده ذهنی و درونی است. که نشان می‌دهد فرد شکوفا از عملکرد و زندگی خود راضی است؛ احساس شادمانی دارد و به زندگی عشق می‌ورزد. در مقابل فرد پژمرده در این زمینه، ناراضی از عملکرد و زندگی خود بوده و علاقه‌ای به زندگی ندارد. شایستگی/پیشرفت فردی نیز به این اشاره دارد که افراد چگونه باید انجام وظیفه کنند و یا در شرایط خاص چگونه واکنش نشان داده، یا چگونه رفتار کنند [۵۳]. بنابراین معلمان که در این متغیر نمره بالایی گرفته‌اند نشانگر این است که در حوزه شکوفایی فردی عملکرد مثبت و موثری دارند. و در نهایت مشارکت اجتماعی نیز به این نکته اشاره دارد که فرد شکوفا علاوه بر دستاوردهای فردی، مشارکت سازنده‌ای با جامعه داشته و در جهت توسعه بهزیستی دیگران تلاش می‌نماید [۱۲]. بنابراین نمره بالا در این زمینه نشان‌دهنده عملکرد مثبت و مؤثر فرد در بعد اجتماعی خواهد بود. در مجموع نمره بالا در هر مؤلفه نشان دهنده شکوفایی فرد در آن حوزه، نمره متوسط بیانگر شکوفایی متوسط/نسبی و نمره پایین نشانگر پژمردگی فرد خواهد بود [۴۵]. تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به شکوفایی معلمان شهر تهران در پژوهش حاضر نشان داد که ۴/۶ درصد از معلمان پژمرده، ۴۱/۸ درصد دارای شکوفایی نسبی و ۵۳/۶ درصد شکوفا می‌باشند. بیشترین

نتایج آزمون مانووا برای مقایسه میزان شکوفایی با توجه به نوع قرارداد معلمان نیز نشان داد که مقدار لامبدای ویلکز برابر با ۰/۹۶۳ و نتیجه آزمون F معنی‌دار بود ($P \leq 0.016$, $F(3, 276) = 3.942$). مجذور اتا چند متغیره نیز برابر با ۰/۰۳۷ به دست آمد؛ یعنی ۴ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته مربوط به عامل نوع قرارداد معلمان می‌باشد. به منظور تعیین اینکه در کدامیک از متغیرهای وابسته بین معلمان تفاوت معنی‌داری وجود دارد از آزمون آنووا استفاده شد. مقدار خطای نوع اول با روش بونفرونی کنترل شد. نتایج (جدول ۱۱) نشان می‌دهد که مقدار آنووا فقط برای متغیر مشارکت اجتماعی معنی‌دار می‌باشد ($P < 0.010$) و میزان مشارکت اجتماعی در بین معلمان رسمی بالاتر از معلمان غیر رسمی بود.

بحث

شکوفایی به خوب بودن، رشد، موفق شدن، برجسته بودن و داشتن تجربه خوب از زندگی اشاره دارد و ترکیبی از احساس خوب و عملکرد مؤثر است. شکوفایی با سطح بالایی از بهزیستی ذهنی و سلامت روان بهینه مترادف است و در مقابل اصطلاح پژمردگی به کار می‌رود [۶]. شکوفایی با نتایج مثبت شامل یادگیری مؤثر، باروری و خلاقیت، روابط خوب، رفتارهای مؤثر اجتماعی، سلامت خوب و امید به زندگی رابطه دارد [۲۷-۳۰]. Seligman به عنوان پدر روانشناسی مثبت‌گرا، معتقد است، تلاش در جهت رسیدن به شکوفایی، باید خیلی زود و در سال‌های مهم مدرسه آغاز شود [۱۱]. Yeo نیز معتقد است که ترویج و آموزش شکوفایی از معلمان یک جامعه آغاز می‌شود [۱۵]. بدین تناسب، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی شکوفایی معلمان شهر تهران بر مبنای

استفاده، جامعه، روش انتخاب نمونه و زمان انجام پژوهش قابل توجه باشد.

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده در خارج از ایران نیز نتایج جالب توجهی ارائه می‌دهد. نتایج بررسی میزان شکوفایی در نمونه ۳۰۳۲ نفری متشکل از بزرگسالان بین ۲۵ تا ۷۴ ساله آمریکایی شامل ۱۷/۲ درصد شکوفا، ۵۶/۶ درصد دارای سلامت روان نسبی، ۱۲/۱ پژوهش‌مندی و ۱۴/۱ درصد دارای علائم افسردگی اساسی بوده است [۶]. بدین ترتیب، مطالعات انجام شده در ایران میزان شکوفایی بالاتر و میزان پژوهش‌مندی کمتری به دست آورده‌اند. یکی از دلایل این امر می‌تواند جامعه هدف متفاوت و استفاده از رویکردها و ابزارهای مختلف باشد. برای مثال Hone, Jarden, Schofield & Duncan شیوع شکوفایی را در نمونه‌ای بالغ بر ۱۰,۰۰۰ بزرگسال زلاندنو بررسی کرده و تنوع قابل توجهی در میزان شیوع با توجه به چهار ابزار مختلف شامل Huppert, Marks, Clark, Siegrist, Stutzer, Vitters, & Wahrendorf (شکوفایی ۲۴ درصد از افراد)، Keyes (۳۹ درصد)، Diener, Wirtz, Tov, Kim-Prieto, Choi, Oishi & Biswas-Diener (۴۱ درصد) و Seligman (۴۷ درصد) گزارش داده‌اند [۳۱]. دلیل دیگر ممکن است مربوط به تفاوت در مولفه‌های شکوفایی در بافت‌های فرهنگی - اجتماعی مختلف باشد [۵، ۲۵]. بدین معنی که فرهنگ هر کشور عامل تأثیرگذار اصلی بر ایجاد، تحول و بروز توانمندی‌ها و کارکرد بهینه انسان است [۲۴]. دلیل دیگر ممکن است ناشی از شرایط توسعه کشورها بوده و به عوامل رفاهی و اقتصادی مربوط شود [۵۹]. این در حالی است که وقتی نتایج پژوهش حاضر را با پژوهش‌های خارجی که بر روی معلمان انجام شده است مقایسه می‌کنیم، تشابهات بیشتری به دست می‌آید. برای مثال Redelinguys وضعیت شکوفایی معلمان مدارس متوسطه آفریقای جنوبی را به شرح ۶/۵۹ درصد از جمعیت پژوهش‌مندی، ۴۹/۲۲ درصد دارای سلامت روان نسبی و ۴۴/۱۹ درصد شکوفا اعلام کرده است [۶۰]؛ این نتایج شباهت بیشتری به نتایج پژوهش حاضر دارد.

بررسی عوامل جمعیت‌شناختی در رابطه با شکوفایی نیز نشان داد که تفاوت در میزان شکوفایی معلمان براساس وضعیت تأهل در همه مولفه‌های شکوفایی معنی‌دار است و معلمان متأهل از میزان احساس رضایت و شادکامی، شایستگی فردی و مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. این یافته با نتایج پژوهش Keyes مبنی بر اینکه بزرگسالان متأهل احتمال بیشتری دارد که از لحاظ روانی سالم باشند، همسو می‌باشد. تحقیقات گسترده در ایالات متحده و سایر کشورها، مزایای بهزیستی جسمانی و روانی را که افراد متأهل بیش از افراد مجرد دارند، نشان می‌دهند. بزرگسالان متأهل میزان کمتری از بیماری‌های روانی و شاخص‌های بالاتر سلامت روان نسبت به افراد هرگز ازدواج نکرده یا قبلاً ازدواج کرده گزارش داده‌اند [۶۱]. علاوه بر این، بزرگسالان متأهل در نروژ میزان شادمانی و رضایت از زندگی خود را نسبت به بزرگسالان غیر متأهل گزارش داده‌اند. به طور خلاصه، بزرگسالان ازدواج کرده از نظر سلامت جسمانی و کیفیت زندگی روانی بهتر از ازدواج نکرده‌ها هستند [۶۲]. در ایران نیز عبدالله تبار، کلدی، محقق کمال، ستاره فروزان و صالحی، بین متغیر سلامت اجتماعی با وضعیت تأهل ارتباط معنی‌داری به دست آوردند. به طوری که میانگین نمرات سلامت اجتماعی دانشجویان متأهل بیش از دانشجویان مجرد می‌باشد [۶۳].

تعداد معلمان شکوفا، در مؤلفه شایستگی/پیشرفت فردی (۶۵ درصد) و کمترین تعداد آنها در مؤلفه احساس رضایت و شادکامی (۴۵/۴ درصد) قرار دارند. بیشترین تعداد معلمان پژوهش‌مندی به مؤلفه احساس رضایت/شادکامی (۸/۷ درصد) و کمترین تعداد معلمان پژوهش‌مندی مربوط به مؤلفه شایستگی/پیشرفت فردی (۲/۲ درصد) می‌باشد. این یافته‌ها بیان‌گر آن است، که از نظر مؤلفه شایستگی/پیشرفت فردی معلمان شهر تهران در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند لیکن ارتقاء شکوفایی معلمان، توجه بیشتری به سطح احساس رضایت و شادکامی آنان را می‌طلبد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، پژوهشی با موضوع اندازه‌گیری میزان بهزیستی یا شکوفایی معلمان منطبق با دیدگاه‌های مطرح در روانشناسی مثبت در کشور ایران به ثبت نرسیده است. پژوهش‌های اندکی نیز که در این زمینه انجام شده یا صرفاً بهزیستی اجتماعی معلمان را مورد کاوش قرار داده‌اند [۴۱]؛ یا خودشکوفایی معلمان را بر مبنای مدل Maslow بررسی کرده‌اند [۵۵]؛ یا صرفاً به بررسی رضایت شغلی و نه احساس رضایت کلی از زندگی/شادکامی پرداخته‌اند [۵۵-۵۷]. در همین ارتباط میرزایی و محمدی میانگین خودشکوفایی ۱۸۳ نفر از دبیران ناحیه ۵ آموزش و پرورش تبریز را ۶۸/۵ از ۱۰۰ گزارش دادند [۵۵]. فتحی، عجم‌نژاد و خاک‌رنجین نیز اعلام کردند که از کل معلمان بررسی شده در شهر مراغه ۳۶/۸ درصد از بهزیستی اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند، در حالی که ۱۳/۸ درصد در حد پایین قرار گرفته‌اند و ۴۹/۴ درصد در طبقه متوسط جای می‌گیرند [۴۱]. با این حال، پژوهش‌هایی در مورد بررسی میزان شکوفایی بر روی دانشجویان ایرانی انجام شده است [۵۲، ۵۸]. در پژوهش نصرت‌آبادی، جوشن‌لو، محمدی و شاه‌محمدی که بر اساس سه مقیاس بهزیستی هیجانی، بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی اجتماعی، به بررسی شکوفایی دانشجویان ایرانی پرداخت، در حدود ۱۶ درصد دانشجویان شکوفا، ۲۰ درصد پژوهش‌مندی و ۶۴ درصد از سلامت روان نسبی برخوردارند. وی بر این اساس اعلام می‌دارد که باید نگران حال ۸۳/۵ درصد از دانشجویان (دانشجویان دارای سلامت روان نسبی و یا در حال پژوهش‌مندی) بود [۵۸]. سلیمانی و همکاران نیز شکوفایی ۴۰۰ دانشجو (۲۵۴ دختر، ۱۴۶ پسر) در دانشگاه فردوسی مشهد را بر مبنای چهار مؤلفه از مدل Seligman شامل هیجان مثبت، روابط مثبت، معنا در زندگی و پیشرفت مورد بررسی قرار دادند [۳۳]. مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش نصرت‌آبادی و همکاران تفاوت آشکاری دارد، اما به نتایج پژوهش سلیمانی و همکاران کمی نزدیک‌تر است. بدین‌گونه که درصد دانشجویان پژوهش‌مندی پژوهش سلیمانی و همکاران (۵ درصد) و معلمان پژوهش‌مندی در این پژوهش (۴/۶ درصد) تقریباً نزدیک است. به همین ترتیب، درصد معلمان دارای سلامت نسبی (۴۱/۸ درصد) بیش از درصد دانشجویان در این طبقه (۳۰ درصد) می‌باشد. این در حالی است که درصد معلمان شکوفا (۵۳/۶ درصد) کمتر از دانشجویان شکوفا (۶۵ درصد) است. نکته قابل توجه این است که کمترین درصد دانشجویان شکوفا، در مؤلفه هیجان‌های مثبت (۵۹/۷۵ درصد) و بیشترین درصد دانشجویان پژوهش‌مندی نیز در همین مؤلفه قرار داشتند. بدین معنا که هم در پژوهش حاضر و هم در پژوهش سلیمانی و همکاران بعد احساسی شکوفایی بیشترین تأثیر را بر شکوفایی یا پژوهش‌مندی افراد مورد بررسی داشته است. تفاوت‌های موجود در یافته‌ها می‌توانند با توجه به تفاوت در رویکرد و ابزار مورد

ارائه کردند [۷۰]. نتایج بیانگر این بود که متغیر تحصیلات والدین رابطه معنی‌داری با شکوفایی معلمان ندارد. در همین راستا، عبدا... تبار و همکاران؛ یارمحمدی و کمالی؛ و باباپور و همکاران بیان می‌کنند که تحصیلات والدین رابطه معنی‌داری با متغیرهای سلامت اجتماعی، خودشکوفایی و بهزیستی اجتماعی ندارد [۶۳، ۶۸، ۷۰]. همچنین شواهد نشان دهنده این بود که متغیر سابقه خدمت به طور معنی‌دار بر میزان شکوفایی معلمان اثرگذار نیست. مهری و همکاران نیز عدم وجود رابطه معنی‌دار بین سابقه کار با سلامت اجتماعی و سلامت روانی معلمان را مورد حمایت قرار داده‌اند [۶۹]. اما کیوانلو، بینش و نهاردانی، عنوان کردند که نتایج بررسی آنها در مورد نقش مولفه‌های سلامت روانی در آموزش و پرورش شهرستان سبزوار نشانگر وجود رابطه بین سابقه خدمت و میزان درآمد با سلامت اجتماعی آزمودنی‌ها بوده است. این پژوهشگران اظهار کردند که با توجه به رابطه معنی‌دار بین میزان درآمد و سلامت اجتماعی، وجود رابطه بین سابقه خدمت و سلامت اجتماعی پذیرفته می‌شود [۷۱]. درنهایت، یافته‌ها نشان داد که قومیت معلمان اثر معنی‌داری بر میزان شکوفایی آنان ندارد. این یافته در پژوهش باباپور و همکاران مورد تأیید قرار گرفته است [۷۰]. سلیمانی و همکاران نیز تفاوت معنی‌داری در میزان شکوفایی دانشجویان بومی و غیربومی دانشگاه فردوسی مشهد مشاهده نکردند [۳۳]. در مجموع، نتیجه‌ای که می‌توان از این یافته‌ها به دست آورد این است که تفاوت معلمان بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی، نقش زیادی در سطح شکوفایی آنان ایفا نمی‌کند؛ بلکه عوامل فردی و اجتماعی مهم‌تری بر سطح شکوفایی معلمان اثرگذار است. این امر می‌تواند خبر خوبی برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران پرورش و ارتقاء سلامت روانی و شکوفایی افراد در جامعه باشد. بدین معنا که متغیرهای غیرقابل دستکاری همچون جنسیت، قومیت، تحصیلات والدین، مدرک و رشته تحصیلی و سابقه خدمت، اثر معنی‌داری بر سطح شکوفایی معلمان نداشته و برنامه‌ریزان می‌توانند با مداخله در عوامل قابل دستکاری همچون مطلوبیت شغلی و حمایت اجتماعی و... سطح شکوفایی این افراد را بهبود ببخشند. برای مثال، نتایج پژوهش حاضر، همراستا با پژوهش‌های مشابه پیش‌گفته هیچ رابطه معنی‌داری بین تحصیلات والدین و شکوفایی افراد به دست نیآورده‌اند. بدین معنا که بین نمرات شکوفایی فرزندان والدین تحصیل کرده و تحصیل‌نکرده تفاوت آشکاری ملاحظه نشده است. براین اساس، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شکوفایی نیازمند انجام آموزش‌های ویژه برای تمامی افراد است؛ و نمی‌توان استدلال کرد که فرزندان افراد تحصیل‌کرده نیاز به آموزش‌های ویژه شکوفایی ندارند.

این یافته‌ها ضرورت ارائه مداخلات تربیتی و درمانی را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ زیرا همان‌گونه که یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد، غیبت از کار، ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی، ناتوانی در انجام فعالیت‌های روزانه، شیوع مشکلات جسمی مزمن، کارکرد روانشناختی-اجتماعی ضعیف (برای مثال درماندگی بالا، تاب آوری و سطح صمیمیت پایین)، در میان افراد شکوفا در کمترین میزان، در میان افراد دارای سلامت روان نسبی در حد متوسط و در میان افراد پژمرده در بالاترین سطح قرار دارد. در واقع افراد دسته شکوفا و دارای سلامت روان نسبی پروفایلی مبنی بر عملکرد روانی و اجتماعی برتر نسبت به گروه پژمرده دارند. بنابراین، دلایل متعددی برای توجه بیشتر به پژمردگی وجود

مزایای ازدواج بدین صورت تبیین شده است که ساختاری از حمایت اجتماعی را برای فرد فراهم می‌آورد [۶۴]. ازدواج یک قرارداد اجتماعی است که افراد را به رابطه‌ای صمیمی متصل می‌کند که می‌تواند با ضربه گیری در مقابل استرس و یکپارچگی اجتماعی همراه باشد. مطالعات سنتی که حمایت اجتماعی را براساس ازدواج (و همچنین مشارکت مدنی و مذهبی) تعریف می‌کنند، دریافتند که بزرگسالان متأهل در معرض خطر مرگ و میر زودرس و بیماری‌های مضر کمتری (مانند بیماری‌های قلبی عروقی) قرار دارند. به طور خلاصه، ازدواج ظاهراً یکپارچگی اجتماعی را به افراد هدیه می‌دهد، و احساس تعلق و هدفمندی را از طریق شبکه‌های اجتماعی خویشاوندی برای آنان فراهم می‌سازد [۶۱].

علاوه بر وضعیت تأهل، بررسی وضعیت استخدام معلمان نیز نشان داد که میزان شکوفایی معلمان رسمی در مؤلفه مشارکت اجتماعی نسبت به معلمان غیررسمی به طور معنی‌داری بالاتر بود. بدیهی است که معلمان غیررسمی، ثبات و امنیت شغلی، میزان درآمد و آسودگی خیال کمتری نسبت به معلمان رسمی دارند. در همین راستا، قاضی‌نژاد و سنگری سلیمانی رابطه شغل و سلامت اجتماعی بر روی زنان شاغل را بررسی نموده و دریافتند که مطلوبیت شغلی اعم از حقوق و مزایا، امنیت شغلی و حمایت سازمانی، بیشترین تأثیر را بر سلامت اجتماعی افراد داشته است [۶۵]. از سوی دیگر امنیت شغلی بر رضایت شغلی افراد نیز اثرگذار است [۶۶]. و همان‌گونه که فتوحی و همکاران بیان می‌کنند بین رضایت شغلی با سلامت (بهزیستی) اجتماعی معلمان رابطه وجود دارد [۴۱]. فخرایی و اسدی نیز نشان دادند بین رضایت از شغل و میزان تعامل اجتماعی کارکنان رابطه وجود دارد [۶۷]. یافته‌ها در مورد تفاوت شکوفایی بین معلمان زن و مرد حاکی از آن بود که جنسیت تأثیر معنی‌داری بر شکوفایی ندارد. این نتایج با پژوهش فتوحی و همکاران؛ یارمحمدی و کمالی؛ باباپور و همکاران؛ جوشن‌لو و رستگار؛ و مهری، هزارجریبی و وصالی همخوان است [۴۱-۶۹]. درحالی‌که عبدا... تبار و همکاران اظهار کردند که میانگین نمرات سلامت اجتماعی دانشجویان پسر به طور معنی‌داری بیش از دانشجویان دختر بوده است [۶۳]. در مقابل، همچنین سلیمانی و همکاران گزارش دادند که میانگین شکوفایی دانشجویان دختر به طور معنی‌داری بالاتر از دانشجویان پسر بوده است [۳۳]. نتایج گویای این بود که بین مدرک تحصیلی و میزان شکوفایی معلمان رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. این یافته با پژوهش‌های انجام شده از سوی مهری و همکاران مورد تأیید قرار گرفته است. بر خلاف این یافته‌ها، عبدا... تبار و همکاران نشان دادند که بین مقطع تحصیلی و سلامت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود داشته و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد از سلامت اجتماعی بهتری نسبت به دانشجویان مقطع کارشناسی برخوردارند. سلیمانی و همکاران نیز نشان دادند که میانگین نمرات شکوفایی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به طور معنی‌داری بالاتر از میانگین نمرات دانشجویان مقطع کارشناسی بوده است [۳۳].

یافته‌های پژوهش شواهدی مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین رشته تحصیلی و میزان شکوفایی معلمان ارائه نداد. این نتایج با گزارش عبدا... تبار همسو و با یافته باباپور و همکاران ناهمسو است [۶۳، ۷۰]. باباپور و همکاران شواهدی حاکی از بالاتر بودن خودشکوفایی اجتماعی دانشجویان گروه علوم انسانی نسبت به دانشجویان گروه فنی- مهندسی

یک برنامه تربیتی- مداخله‌ای برای پرورش و ارتقاء شکوفایی معلمان تدوین گردد. در تدوین برنامه مداخله‌ای، لازم است تأکید بیشتری بر بعد احساسی شکوفایی در معلمان شود. همچنین تفاوت‌های موجود در احساس رضایت/شادکامی، شایستگی/پیشرفت فردی و مشارکت اجتماعی بین معلمان متأهل و مجرد و تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی معلمان رسمی و غیر رسمی در نظر گرفته شود.

برنامه تربیتی- مداخله‌ای برای پرورش شکوفایی افراد پژمرده و ارتقاء شکوفایی افراد دارای شکوفایی نسبی برگزار شود. بدین منظور کارگاه‌های آموزش شکوفایی می‌تواند در دوره تربیت معلم و دوره‌های ضمن خدمت معلمان گنجانده شود.

رابطه بین متغیرهای قابل دستکاری همچون حقوق و مزایا، رضایت شغلی و ... و شکوفایی معلمان مورد مذاقه قرار گیرد.

شکوفایی معلمان در شهرها و مناطق مختلف ایران ارزیابی و با یکدیگر و با کشورهایی همچون سنگاپور، ژاپن و ... که نظام آموزشی موفق‌تری دارند مقایسه شود.

مداخلات آموزشی در جهت ارتقاء شکوفایی معلمان و سنجش اثربخشی آنها صورت پذیرد.

رابطه بین شکوفایی معلمان و نتایج تحصیلی دانش‌آموزان در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد.

در گزینش و جذب معلمان، میزان شکوفایی آنان مدنظر قرار گیرد تا نسل آینده را معلمان تربیت کنند که از شکوفایی مناسبی برخوردار هستند.

تمهیدات لازم درجهت ارتقای وضع معیشتی، رفاهی و درآمد و تسهیلات، افزایش احساس رضایت و شادکامی، افزایش مطلوبیت شغلی و حمایت سازمانی به ویژه برای معلمان غیررسمی، در جهت بهبود وضعیت شکوفایی آنان اتخاذ شود.

با برگزاری دوره‌های آموزش شکوفایی ویژه معلمان مجرد، ارائه خدمات مشاوره‌ای و روانشناختی و نیز فراهم نمودن سیستم‌های حمایت اجتماعی و حمایت مالی (همچون پرداخت تسهیلات ویژه ازدواج) برای آنان، روند ارتقاء شکوفایی این دسته از معلمان تسهیل گردد.

از طریق ایجاد سازوکاری برای شناسایی، معرفی و آشنایی معلمان مجرد زن و مرد، مقدمات لازم در جهت تسهیل ازدواج آنان از سوی ادارات مرکزی آموزش و پرورش فراهم شود.

تغییر در وضعیت شکوفایی معلمان در طی زمان و در نتیجه تغییر سیاست‌ها و انجام مداخلات مورد ارزیابی قرار گیرد.

سپاسگزاری

از مسئولان آموزش و پرورش، مدیران و معلمان دبیرستان‌های متوسطه دوم شهر تهران که یاری‌گر ما در انجام این پژوهش بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

پژوهش حاضر بخشی از پایان‌نامه دکتری روانشناسی تربیتی بوده و با هزینه شخصی صورت پذیرفته است.

دارد. شیوع پژمردگی به اندازه افسردگی اساسی است و با ناتوانی‌های روانشناختی رابطه دارد [6]. Keyes همچنین بیان می‌کند که احتمال ابتلا به افسردگی اساسی در بین افراد پژمرده دو برابر بیش از افراد دارای سلامت روان نسبی و در حدود 6 برابر بیشتر از افراد شکوفا است [6]. بنابه آنچه گذشت، به نظر می‌رسد، زمان آن فرا رسیده است که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ارتقاء سلامت روانی جامعه، توجه بیشتری را به شکوفایی که متشکل از احساس خوب و عملکرد فردی و اجتماعی خوب است مبذول دارند. در همین راستا، سازمان جهانی بهداشت نیز ضمن توجه دادن کشورها در جهت تأمین سلامت جسمانی و روانی و اجتماعی اعضای جامعه، بر این نکته تأکید می‌کند که هیچ یک از ابعاد سلامتی بر دیگری برتری ندارد. همچنین، رشد و تعالی جامعه در گرو تندرستی آن جامعه در ابعاد جسمی و روانی و اجتماعی است و شناسایی عوامل تعیین‌کننده و مرتبط با آن در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطوح خرد و کلان جامعه از مسائل اساسی هر کشوری محسوب می‌شود [41]. معلمان هر کشور رکن اصلی آموزش، پرورش و ارتقاء شکوفایی مردم آن کشور هستند. آن‌ها بار اصلی آموزش و پرورش دانش‌آموزان را بر دوش می‌کشند و آنان را برای زندگی آماده می‌کنند. معلمان برای آنکه بتوانند نقش خود را به درستی ایفا نمایند، باید خود از سلامت روان و شکوفایی کافی برخوردار باشند تا بتوانند آن را به دیگران آموزش دهند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که باید نگران حال 46/4٪ از معلمان شهر تهران (معلمان دارای شکوفایی نسبی و پژمرده) بود. 4/6٪ درصد از معلمان پژمرده هستند که با توجه به عواقب نامطلوب این حالت هم برای خود معلمان و هم برای دانش‌آموزان آنان، برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت این دسته از معلمان باید در اولویت قرار گیرد. همچنین، جمعیت انبوهی از معلمان (41/8٪ درصد) از شکوفایی نسبی برخوردارند و چنانچه مورد غفلت واقع شوند امکان سقوط آنها به دسته معلمان پژمرده وجود دارد. از آنجا که معلمان هر کشوری نقش محوری در شکوفایی افراد جامعه دارند، لزوم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه شکوفایی معلمان کاملاً احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه که Michaelson et al بیان می‌کنند می‌توان از مزایای اندازه‌گیری شکوفایی معلمان در جهت ارزیابی تغییرات سطح شکوفایی آنان در طی زمان، بررسی و ارزیابی تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط‌مشی‌گذاری، انجام مقایسه‌های بین‌المللی، ارزیابی تفاوت‌های خرده‌گروه‌ها، شناسایی حوزه‌های نیازها یا فرصت‌های آتی، ارزیابی تأثیر طرح‌های سیاسی، شکل دادن به محتوا و اجرای سیاست‌ها و آگاهی دادن به منظور هدف‌گیری سیاست‌های جدید بهره‌برداری نمود [37]. بنابراین، یافته‌های این تحقیق با افزایش آگاهی از اهمیت بهزیستی و شکوفایی معلمان و افزایش تجارب کاری و حمایتی مثبت برای آنان، نتایج کاربردی متعددی را فراهم می‌آورد که عبارتند از: به طور بالقوه، این نتایج می‌توانند از سوی مدیران مدارس، سیاست‌گذاران و حتی خود آموزگاران درجهت بهبود وضعیت شکوفایی آنان استفاده شود.

References

1. Hojabrian H, Bigdeli IA, Najafi M, Rezaei A. [Providing the Psychological Model of Human Flourishing based on The

Grounded Theory: A Qualitative Research]. J Educ Psychol Allameh Tabatabaei Univ. 2015;10(34):207-32.

2. Seligman MEP, Rashid T, Parks AC. Positive psychotherapy. *Am Psychol*. 2006;61(8):774-88. doi: [10.1037/0003-066X.61.8.774](https://doi.org/10.1037/0003-066X.61.8.774) pmid: [17115810](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/17115810/)
3. Gable SL, Haidt J. What (and why) is positive psychology? *Rev Gen Psychol*. 2005;9(2):103-10. doi: [10.1037/1089-2680.9.2.103](https://doi.org/10.1037/1089-2680.9.2.103)
4. McIntosh E. Flourish. *The Concise Oxford Dictionary*. 5th ed. Oxford: Clarendon Press; 1964. p. 467.
5. Gokcen N, Hefferon K, Attree E. University students' constructions of 'flourishing' in British higher education: An inductive content analysis [Supplementary data]. *Int J Wellbeing*. 2012;2(1):1-35. doi: [10.5502/ijw.v2i1.1.s1](https://doi.org/10.5502/ijw.v2i1.1.s1)
6. Keyes CL. The mental health continuum: from languishing to flourishing in life. *J Health Soc Behav*. 2002;43(2):207-22. pmid: [12096700](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/12096700/)
7. Deci EL, Ryan RM. Hedonia, eudaimonia, and well-being: an introduction. *J Happiness Stud*. 2006;9(1):1-11. doi: [10.1007/s10902-006-9018-1](https://doi.org/10.1007/s10902-006-9018-1)
8. Keyes CLM, Annas J. Feeling good and functioning well: distinctive concepts in ancient philosophy and contemporary science. *J Posit Psychol*. 2009;4(3):197-201. doi: [10.1080/17439760902844228](https://doi.org/10.1080/17439760902844228)
9. Ryan RM, Deci EL. On happiness and human potentials: a review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annu Rev Psychol*. 2001;52:141-66. doi: [10.1146/annurev.psych.52.1.141](https://doi.org/10.1146/annurev.psych.52.1.141) pmid: [11148302](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/11148302/)
10. Ryff C, Singer B. Know thyself and become what you are: A eudaimonic approach to psychological well-being. *The exploration of happiness*. Netherlands: Springer 2013 p. 97-116.
11. Seligman ME. Flourish: a visionary new understanding of happiness and well-being. *Policy*. 2011;27(3):60-1.
12. Diener E, Wirtz D, Tov W, Kim-Prieto C, Choi D-w, Oishi S, et al. New Well-being Measures: Short Scales to Assess Flourishing and Positive and Negative Feelings. *Soc Indic Res*. 2009;97(2):143-56. doi: [10.1007/s11205-009-9493-y](https://doi.org/10.1007/s11205-009-9493-y)
13. Norrish J, Williams P, O'Connor M, Robinson J. An applied framework for positive education. *Int J Wellbeing*. 2013;3(2):147-61.
14. Keyes CL. Mental health in adolescence: is America's youth flourishing? *Am J Orthopsychiatry*. 2006;76(3):395-402. doi: [10.1037/0002-9432.76.3.395](https://doi.org/10.1037/0002-9432.76.3.395) pmid: [16981819](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/16981819/)
15. Yeo S. Resilience, Character Strengths and Flourishing: A Positive Education Workshop for Singapore Teachers 2011.
16. Murray C. Supportive Teacher-Student Relationships: Promoting the Social and Emotional Health of Early Adolescents with High Incidence Disabilities. *Childhood Educ*. 2002;78(5):285-90. doi: [10.1080/00094056.2002.10522743](https://doi.org/10.1080/00094056.2002.10522743)
17. Patrick BC, Hisley J, Kempler T. "What's Everybody So Excited About?": The Effects of Teacher Enthusiasm on Student Intrinsic Motivation and Vitality. *J Exp Educ*. 2000;68(3):217-36. doi: [10.1080/00220970009600093](https://doi.org/10.1080/00220970009600093)
18. Calabrese R, Hester M, Friesen S, Burkhalter K. Using appreciative inquiry to create a sustainable rural school district and community. *Int J Educ Manage*. 2010;24(3):250-65. doi: [10.1108/09513541011031592](https://doi.org/10.1108/09513541011031592)
19. Hoy WK, Tarter CJ. Positive Psychology and Educational Administration. *Educ Adm Q*. 2011;47(3):427-45. doi: [10.1177/0013161x10396930](https://doi.org/10.1177/0013161x10396930)
20. Kern ML, Waters L, Adler A, White M. Assessing Employee Wellbeing in Schools Using a Multifaceted Approach: Associations with Physical Health, Life Satisfaction, and Professional Thriving. *Psychology*. 2014;05(06):500-13. doi: [10.4236/psych.2014.56060](https://doi.org/10.4236/psych.2014.56060)
21. Howard S, Johnson B. Resilient teachers: resisting stress and burnout. *Soc Psychol Educ*. 2004;7(4):399-420. doi: [10.1007/s11218-004-0975-0](https://doi.org/10.1007/s11218-004-0975-0)
22. Chaplain RP. Stress and psychological distress among trainee secondary teachers in England. *Educ Psychol*. 2008;28(2):195-209. doi: [10.1080/01443410701491858](https://doi.org/10.1080/01443410701491858)
23. Chan DW. Burnout and life satisfaction: does gratitude intervention make a difference among Chinese school teachers in Hong Kong? *Educ Psychol*. 2011;31(7):809-23. doi: [10.1080/01443410.2011.608525](https://doi.org/10.1080/01443410.2011.608525)
24. Kyriacou C. Teacher Stress: Directions for future research. *Educ Rev*. 2010;53(1):27-35. doi: [10.1080/00131910120033628](https://doi.org/10.1080/00131910120033628)
25. Huppert FA, So TT. Flourishing Across Europe: Application of a New Conceptual Framework for Defining Well-Being. *Soc Indic Res*. 2013;110(3):837-61. doi: [10.1007/s11205-011-9966-7](https://doi.org/10.1007/s11205-011-9966-7) pmid: [23329863](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/23329863/)
26. Peterson C, Park N. Positive psychology as the evenhanded positive psychologist views it. *Psychol Inq*. 2003;14(2):143-7.
27. Diener E, Kahneman D, Helliwell J. *International differences in well-being*. Oxford Oxford University Press; 2010.
28. Dolan P, Peasgood T, White M. Do we really know what makes us happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective well-being. *J Econom Psychol*. 2008;29(1):94-122. doi: [10.1016/j.joep.2007.09.001](https://doi.org/10.1016/j.joep.2007.09.001)
29. Huppert FA. Psychological Well-being: Evidence Regarding its Causes and Consequences. *Appl Psychol Health Well-Being*. 2009;1(2):137-64. doi: [10.1111/j.1758-0854.2009.01008.x](https://doi.org/10.1111/j.1758-0854.2009.01008.x)
30. Lyubomirsky S, Sheldon KM, Schkade D. Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Rev Gen Psychol*. 2005;9(2):111-31. doi: [10.1037/1089-2680.9.2.111](https://doi.org/10.1037/1089-2680.9.2.111)
31. Hone LC, Jarden A, Schofield GM, Duncan S. Measuring flourishing: The impact of operational definitions on the prevalence of high levels of wellbeing. *Int J Wellbeing*. 2014;4(1).
32. Keyes CLM. Subjective Well-Being in Mental Health and Human Development Research Worldwide: An Introduction. *Soc Indic Res*. 2006;77(1):1-10. doi: [10.1007/s11205-005-5550-3](https://doi.org/10.1007/s11205-005-5550-3)
33. Soleimani S, Rezaei AM, Kianersi F. Studying the flourishing of Iranian students based on Seligman model and its comparison based on demographic variables. *Int J Appl Behav Sci*. 2015;2(2):21-8.
34. Lopez SJ, Magyar-Moe JL, Petersen SE, Ryder JA, Krieshok TS, O'Byrne KK, et al. Counseling Psychology's Focus on Positive Aspects of Human Functioning. *Counsel Psychol*. 2016;34(2):205-27. doi: [10.1177/0011000005283393](https://doi.org/10.1177/0011000005283393)
35. Diener E, Suh E, Oishi S. Recent findings on subjective well-being. *Indian J Clin Psychol*. 1997;24:25-41.
36. Henderson T, Markus AR. Medicaid managed care: how do community health centers fit? *Health Care Financ Rev*. 1996;17(4):135-42. pmid: [10165705](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/10165705/)
37. Michaelson J, Abdallah S, Steuer N, Thompson S, Marks N, Aked J, et al. National accounts of well-being: Bringing real wealth onto the balance sheet. London: New economics Foundation; 2009.
38. Dolan P, White MP. How Can Measures of Subjective Well-Being Be Used to Inform Public Policy? *Perspect Psychol Sci*. 2007;2(1):71-85. doi: [10.1111/j.1745-6916.2007.00030.x](https://doi.org/10.1111/j.1745-6916.2007.00030.x) pmid: [26151920](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/26151920/)
39. Marks N, Shah H. A well-being manifesto for a flourishing society. *J Public Ment Health*. 2004;3(4):9-15. doi: [10.1108/17465729200400023](https://doi.org/10.1108/17465729200400023)
40. Stiglitz J, Sen A, Fitoussi J. Report by the commission on the measurement of economic performance and social progress. Paris: Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress, 2010
41. Fathi M, Ajamnejad R, Khakrangin M. [Factors Affecting the Social Health of Teachers in Maragheh]. *Soc Welf*. 2012;12(47):225-43.
42. Duckworth AL, Quinn PD, Seligman MEP. Positive predictors of teacher effectiveness. *J Posit Psychol*. 2009;4(6):540-7. doi: [10.1080/17439760903157232](https://doi.org/10.1080/17439760903157232)
43. Klusmann U, Kunter M, Trautwein U, Lüdtke O, Baumert J. Teachers' occupational well-being and quality of instruction: The important role of self-regulatory patterns. *J Educ Psychol*. 2008;100(3):702-15. doi: [10.1037/0022-0663.100.3.702](https://doi.org/10.1037/0022-0663.100.3.702)
44. Pakarinen E, Kiuru N, Lerkkanen M-K, Poikkeus A-M, Siekkinen M, Nurmi J-E. Classroom organization and teacher stress predict learning motivation in kindergarten

- children. *Eur J Psychol Educ.* 2010;25(3):281-300. doi: [10.1007/s10212-010-0025-6](https://doi.org/10.1007/s10212-010-0025-6)
45. Hojabrian H. [Construction and Validation of the Human Psychological Flourishing Scale (HPFS) in the sociocultural context of Iran]. Semnan Semnan University; 2017.
 46. Soleimani S, Rezaei A, Kianersi F, Hojabrian H, Khalili Paji K. Development and validation of flourishing questionnaire based on seligman's model among Iranian university students. *J Res Health.* 2015;5(1):3-12.
 47. Diener E, Oishi S, Lucas RE. Personality, culture, and subjective well-being: emotional and cognitive evaluations of life. *Annu Rev Psychol.* 2003;54:403-25. doi: [10.1146/annurev.psych.54.101601.145056](https://doi.org/10.1146/annurev.psych.54.101601.145056) pmid: 12172000
 48. Myers DG. The funds, friends, and faith of happy people. *Am Psychol.* 2000;55(1):56-67. pmid: 11392866
 49. Seligman ME, Parks AC, Steen T. A balanced psychology and a full life. *Philos Trans R Soc Lond B Biol Sci.* 2004;359(1449):1379-81. doi: [10.1098/rstb.2004.1513](https://doi.org/10.1098/rstb.2004.1513) pmid: 15347529
 50. Lyubomirsky S, King L, Diener E. The benefits of frequent positive affect: does happiness lead to success? *Psychol Bull.* 2005;131(6):803-55. doi: [10.1037/0033-2909.131.6.803](https://doi.org/10.1037/0033-2909.131.6.803) pmid: 16351326
 51. Andersson P. Happiness and health: Well-being among the self-employed. *J Socio-Econom.* 2008;37(1):213-36. doi: [10.1016/j.socec.2007.03.003](https://doi.org/10.1016/j.socec.2007.03.003)
 52. Cohn MA, Fredrickson BL, Brown SL, Mikels JA, Conway AM. Happiness unpacked: positive emotions increase life satisfaction by building resilience. *Emotion.* 2009;9(3):361-8. doi: [10.1037/a0015952](https://doi.org/10.1037/a0015952) pmid: 19485613
 53. Lawler EE. Performance Management: The Next Generation. *Compens Benefits Rev.* 2016;26(3):16-9. doi: [10.1177/088636879402600303](https://doi.org/10.1177/088636879402600303)
 54. Keyes CL. Mental illness and/or mental health? Investigating axioms of the complete state model of health. *J Consult Clin Psychol.* 2005;73(3):539-48. doi: [10.1037/0022-006X.73.3.539](https://doi.org/10.1037/0022-006X.73.3.539) pmid: 15982151
 55. Mirza'i H, Mohammadi S. [Self-actualization and job satisfaction]. *Sociol Stud.* 2014;3(11):7-19.
 56. Kaldi A, Asgari G. [A Study on the Job Satisfaction of Primary Teachers in Tehran]. *J Psychol Educ Sci.* 2003;33(1):103-20.
 57. Haghghatian M, Seifzadeh A. [Assessing the Job Satisfaction of Female Teachers (Case Study: Damghan City)]. *J Women Soc.* 2016;7(27):155-74.
 58. Nusrat Abadi M, Joushan Lo M, Mohammadi F, Shah Mohammadi K. [Are Iranian Students flourishing?]. *J Evol Psychol.* 2010;7(25):83-94.
 59. Seligman M. Flourishing as a Goal of International Policy. *Glob Thought Lead.* 2014;14:113-6. doi: [10.1142/9789814546898_0015](https://doi.org/10.1142/9789814546898_0015)
 60. Redelinguys J. Flourishing of teachers in secondary schools. South Africa: North-West University; 2009.
 61. Shapiro A, Keyes CLM. Marital Status and Social Well-Being: Are the Married Always Better Off? *Soc Indic Res.* 2007;88(2):329-46. doi: [10.1007/s11205-007-9194-3](https://doi.org/10.1007/s11205-007-9194-3)
 62. Mastekaasa A. Psychological Well-Being and Marital Dissolution. *J Fam Issues.* 2016;15(2):208-28. doi: [10.1177/0192513x94015002004](https://doi.org/10.1177/0192513x94015002004)
 63. Abdullah Tabar H, Kaldi A, Mohagheghi Kamal S, Forozan A, Salehi M. [Evaluation of students' social health]. *J Soc Welf.* 2008;8:30-1.
 64. House JS, Landis KR, Umberson D. Social relationships and health. *Science.* 1988;241(4865):540-5. pmid: 3399889
 65. Ghazi Nejad S. [The relationship between job and social well being of women]. *Wom Dev Policy.* 2016;14(3):273-88.
 66. Artz B, Kaya I. The impact of job security on job satisfaction in economic contractions versus expansions. *Appl Econ.* 2014;46(24):2873-90. doi: [10.1080/00036846.2014.914148](https://doi.org/10.1080/00036846.2014.914148)
 67. Fakhraei S, Asadi M. [Comparative study of "the relationship between social capital and job satisfaction and organizational commitment of teachers" among teachers in the city of Maragheh]. *Sociol Stud.* 2008;1(1):152-80.
 68. Yarmohammadian A, Kamali F. [Relationship between emotional intelligence and self-actualization in high school students]. *J Hum Soc Sci Shiraz Univ.* 2007;26(52):53-60.
 69. Mohri A, Hezarjeribi J, Vesali S. [The study of the effect of social capital on the mental and social health of teachers in Hamadan]. Tehran: Allameh Tabatabaei University; 2011.
 70. Babapour Kheirodin J, Toosi F, Hekmati E. [Examine the role of determinants in social health, Tabriz University]. *J Psychol Tabriz Univ.* 2009;4(16).
 71. Kyvanlo F, Binesh M, Nehardani H. [Investigating the Role of Social Health Components in the Education Department of Sabzevar, Iran]. *J Sabzevar Univ Med Sci.* 2016;23(3):438-43. doi: [10.21859/sums-2303438](https://doi.org/10.21859/sums-2303438)